

پرده نقره‌ای

جدیدترین خبر از جشنواره سینمای ایران در فرانسه



آثار راه یافته به جشنواره سینمای ایران در شانتینی فرانسه به زودی معرفی خواهند شد. به گزارش ایسنا، براساس اعلام دبیر خانه این رویداد سینمایی، همزمان با به پایان رسیدن زمان ارسال آثار به این جشنواره، بیش از ۵۰ اثر به دبیر خانه ارسال شده است که به زودی این آثار توسط هیات پیش انتخاب، داوری و هفت فیلم بر تر راهی جشنواره می شوند. نتایج این داوری ها تا آخر اردیبهشت ماه سال جاری اعلام و هفت فیلم منتخب در روز های بر گزاری جشنواره نمایش داده می شود. هیات پیش انتخاب جشنواره سینمای ایران در شانتینی فرانسه شامل ابوالفضل جلیلی، کارگردان و سینماگر ایرانی، «کریستف تاردیو» مدیر کل مجموعه کاخ اعظم شانتینی، «روداسسوس» رئیس سینمای الیزه شهر شانتینی، «کارولین گدار» معاون فرهنگی شهرداری شانتینی و سیدوحید یعقوبی، کارشناس هنری «مرکز ایران و فرانسه» هستند. جشنواره سینمای ایران در شانتنی، در دو بخش رقابتی فیلم های بلند داستانی و غیر رقابتی فیلم های کوتاه با حضور کارگردانان فیلم های بلند در تاریخ چهارم تا هفتم نوامبر سال جاری میلادی برابر با ۱۳ تا ۱۶ آبانماه ۱۴۰۰ در فرانسه و در شهر شانتینی بر گزار می شود.

تجسمی

نمایش آثار هنرمندان ایرانی در یک گالری لس آنجلس



نمایشگاه گروهی آثار هنرمندان ایرانی در لس آنجلس آمریکا برپاست. به گزارش هنرآنلاین، نمایشگاه گروهی «چیزهای بسیار مورد علاقه من» با آثاری از هنرمندان ایرانی در the lodge لس آنجلس برپاست. این نمایشگاه که ۲۲ آوریل افتتاح شده و تا ۲۲ می ادامه دارد، توسط نرگس حمزیان پور گردآوری شده و آثاری از آرمین امیریان، ناصر عزیزی، کامران دیبا، حسین عدالتخواه، رنه فاکس، امیر حبیب آبادی، البرز کاظمی، حامد خسروی، فرشیدو لاریان، نگین محزون، امید مجیدی نژاد، اردشیر محمص، مانی مزینانی، ساناز مزینانی، نازنین پرویز، رضارستم پیشه، بهار سبزواری، سمکوصالحی، کامران شریف، افسون، جاوید تفضلی، روژین شفیی و تورج خامنه زاده در آن به نمایش در آمده است. نرگس حمزیان پور مشاور بازار هنر، با تمرکز بر هنر خاورمیانه است. او با چندین گالری بین المللی و نمایشگاه های هنری کار کرده و به معرفی تعداد زیادی از هنرمندان نوظهور، میانه کار و مشهور خاورمیانه و ایران در موزه ها، گالری ها و مجموعه داران خصوصی متعدد پرداخته است.

در استیتمنت این نمایشگاه آمده است: «طی سال گذشته به دلیل شیوع کرونا بسیاری از مردم فعالیت های خود را محدود کرده و خانه نشین شدند. خانه با فضایی که در آن ها زندگی می کنیم، ظرف جانشین روح است. معماری ما را محافظت و تغذیه می کند، اشیاء داخلی، ما را متمایز و شناسایی می کنند. مجموعه ای که حمزیان پور گردآورده است محیطی صمیمی را در گالری ایجاد می کند و آثار این ۲۱ هنرمند از چندین رشته هنری، بیننده را به ماندن و شاید کاوش به روشی غیر معمول دعوت می کند».

از دید جلال ستاری خواست عمومی جامعه از هنر پیشه در ایران کنشگری آغشته به جنبه های سیاسی و اجتماعی است. چشم بستن بازیگر به یک رویداد می تواند به معنای از دست دادن محبوبیت باشد یا واکنش پذیری نسبت به مسائل حتی کوچک، شرایطی برای شهرت

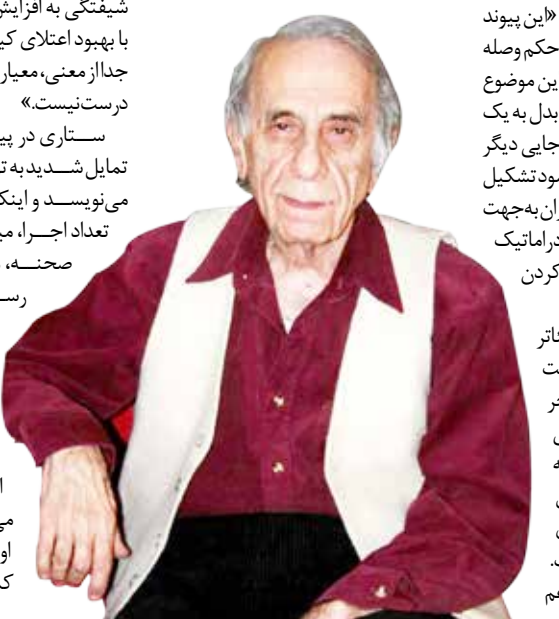
منتظری در تئاتر، هنر تئاتر هنوز هنر فراگیری نیست. تولیدات اندک است و فعالان حوزه تئاتر محدود. با این حال جلال ستاری در آن سال پیش بینی قابل تأملی می کند. او از خطر افزایش کمی تئاتر می نویسد که به رآمده از بسا کارهای خام که به صحنه می آیندو برخی که سهل انگارند و ساده دیش، در ازایشان می بینیم که متأسفانه غالباً دال بر کاردانی و توانایی نیست. این خطر شیفتگی به افزایش کمی، بی تناسب با بهبود اعتلای کیفی ... هیچگاه رقم جدا از معنی، معیار و ملاک سنجش درست نیست.»

ستاری در پیش بینی دیگری از تمایل شدیدی به تولید آمار برای تئاتر می نویسد و اینکه معیارهایی چون تعداد اجرا، میزان ساعت روی صحنه، میزان مطلب در رسانه ها و ... ملاک ارزیابی می شوند. ستاری امید ی به بهبود ندارد؛ اما پس از ۳۰ سال از نگارش این مقاله، به نظر می رسد گزاره های او دربارۀ تئاتر ایران کامکان صادق است.

من این هجوم [توجه بسیار به تئاتر در شهرستان ها] موجب دیگری نیز دارد که هنری نیست و شاید هم از چشم خواستاران پوشیده می ماند و آن نیاز آمدن به میدان، شوق حدیث نفس و بیان مافی الضمیر و تحقق ذات خویشتن است. تئاتر، هنری است که به این خواست ها مجال نمود می دهد، چون از دیگر هنر ها نمایشی تر و اجتماعی تر است.»

از دید ستاری تئاتر تنها جایی است که نسل جدید می تواند آرزوهایش را به تصویر بدل کند و جامعه را آن گونه ای بسازد که بدان می اندیشد و از همه مهتر آنکه تئاتر میدانی است مناسب برای زور آزمایی. با این حال این منتقد چنین تئاتری را تئاتر نمی داند. «در قلمرو تئاتر، میان این جوش و خروش شوق انگیز که در واقع مطالبه و درخواستی بر حق است و کار تجربی یا حرفه ای فرق نهاد و تمیز داد و چنین پیداست که همواره این تشخیص به درستی صورت نمی گیرد و از دیده پنهان می ماند یا حتی به عمد نادیده گرفته می شود.»

در سال ۱۳۷۰، در اوایل فعالیت علی



هم مایه قدرت است و هم ضعف. قوت از آن جهت که پشتوانه نیرومندی برای تئاتر مهیا می کند و موجب درخشش این هنر می شود و ضعف از این رو که کاستی های تئاتر را «در لفاف دلیل تراشی های اجتماعی و مرامی و سیاسی مستور می دارد و حتی مانع از رشد تئاتر به عنوان هنر می شود.» گام دیگر اثبات گزارۀ تئاتر سیاسی، ثمرات رئالیسم سوسیالیستی، پرولتکولت (سازمان ادبی، هنری و فرهنگی، ارشادی پرولتاریا) و ژدانوویسم است که ستاری محصولاتشان را اسفبار می داند. او نمونه ایرانی این وضعیت را تئاتر نوشین می داند. با تأیید نقش پررنگ نوشین در اعتلای تئاتر، تشخیص سهم حزب توده در شکل گیری تئاتر نوشین را سخت می داند و از همین رو، اساساً یکی از مشکلات بررسی تئاتر ایران، همین تشخیص رابطه ساز و کارهای سیاسی و اجتماعی با اصل هنر تئاتر است. «آن چنان که گویی تاروپودشان را به هم تنیده اند و بدین گونه نسجی یافته اند که یکسان و به یک اندازه هم هنری است و هم اجتماعی.»

نقد ستاری در این هم بودگی تئاتر و سیاست بر این است که «این پیوند همواره اندام وار نیست و در حکم وصله است.» او تأکید می کند این موضوع تئاتر را سیاست زده و اغلب بدل به یک بیانیه سیاسی می کند. در جایی دیگر از مقاله، ستاری مدعی می شود تشکیل گروه های تئاتری در ایران به جهت شکوکوفایی طبع و قریحه در امراتیک نیست؛ بلکه «بی اندام کردن آنهاست.»

استاد دیگر ستاری به تئاتر پس انقلاب و ریشه های اهمیت جشنواره ای چون تئاتر فجر برای هنرمندان غیر تهرانی است، جایی که در تهران به یک انتقاد همیشگی بدل شده است و البته ابزاری برای تداوم فجر از سوی دولت، ستاری می نویسد: «به زعم



هم تحول چنین هنرهایی در شرق، همانند تحول آنها در غرب نباشد.» از دید جلال ستاری مردم در شرق هنر پیشه را هنرمندی صرف نمی دانند و چشم انتظار کنشگری اجتماعی و سیاسی از سوی اویند. نگاه ستاری در دهه ۳۰، ۷۰ سال پیش کماکان پابرجاست، به عبارتی خواست عمومی جامعه از هنر پیشه در ایران کنشگری آغشته به جنبه های سیاسی و اجتماعی است. چشم بستن بازیگر به یک رویداد می تواند به معنای از دست دادن محبوبیت باشد یا واکنش پذیری نسبت به مسائل حتی کوچک، شرایطی برای شهرت. ستاری در توجیه این مسأله می نویسد: «ممکن است که این امر ناشی از قداستی باشد که روزگاری سحر و جادوگر و شمن... در ابر گرفته بود و هنر پیشه به اعتباری وارث همان مدعیان کرامت است.»

البته جلال ستاری در سال ۱۳۷۰ معتقد بود چنین نقشی در ساحت هنر پیشه آن روزی «زایل شده و از یاد رفته و شان و منزلت و حیثیت اجتماعی هنرمند تئاتر جایگزین آن گشته است.» حال ستاری قلم تقاده به دست می گیرد و مدعی می شود ترکیب تئاتر و جامعه

امثال گریگور یقیکیان «رنگ و صبغه اجتماعی هنر تئاتر را تندتر و غلیظ تر می کند.» ستاری به عنوان شاهد مثال به سراغ کتاب «انقلاب مشروطیت ایران و ریشه های اجتماعی و اقتصادی آن» نوشته باولو یچ و ایرانسکی می رود. مورخان روسی استناد می کنند حزب سیوسیال دموکرات وقت – مشهور به اجتماعیون عامیون – برای نشر افکار خود اقدام به انتشار ترجمه فارسی نمایشنامه «بازرس» گوگول بابرگردان نادر میرزا نامی می کنند. از قضا اجرای نمایش هم موفقیت خوبی کسب می کند؛ چرا که مفاهیم مندرج در نمایشنامه کاملاً «با اوضاع دوره تاریک و سیاه اصول قدیمه ایران، قابل انطباق بود.»

به باور ستاری در بحبوحه دگرگونی و پیدایش انقلاب در کشوری چون ایران، تئاتر دیگر یک هنر نیست و از دید مردم نیز تئاتر هنری صرف به حساب نمی آید. او در سال ۱۳۷۰ باورش را تجدید می کند و می نویسد: «حتی به گمان من هنوز زمان آن فرانرسیده که آن دو جنبه آهنری و اجتماعی ا کاملاً از هم به طور نظری تفکیک شوند یا جداگانه مورد بررسی قرار گیرند و شاید



احسان زور عالم

در اردیبهشت ۱۳۷۰، جلال ستاری مقاله ای مفصل دربارۀ وضعیت تئاتر ایران می نویسد. البته مقاله در انقیاد یک دهه خلا تئاتر نیست؛ بلکه نگاهی است اجمالی درباره وضعیت تئاتر در تاریخ ایران و مهم تر از آن پیش بینی آینده تئاتر. جلال ستاری که رابطه قدرتمندی با بدنه تئاتر ایران چه پیش انقلاب و چه پس انقلاب دارد، با نگاهی به وضعیت تئاتر در آن سال ها از جمله اقتباس های وصله پینه ای به آثار مهم جهان و میل شدید به حضور در جشنواره ها، تلاش می کند ریشه این وضعیت را بیابد، وضعیتی که او آن را خطر می یندارد. پاسخ ستاری چنین است «تئاتر در ایران امری سیاسی است.»

ستاری در این مقاله از چند جنبه امری سیاسی و البته اجتماعی در تئاتر رارزیابی می کند. نخست به شخصیت گریگور یقیکیان، ارمنی سوسیال دموکرات اشاره می کند و تأکید می کند کارگران تئاتری ایران عموماً اهل سیاست بوده اند و جنبه چپ گرای

خبر ویژه



ایرانسل باهدف حمایت از اشتغال زایی و رشد و توسعه کسب و کارهای دیجیتال، امکان معرفی و حضور این کسب و کارها را در آبر اپلیکیشن (super application) ایرانسل من فراهم کرد. به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی ایرانسل، اولین و بزرگترین اپراتور دیجیتال ایران، در راستای رویکرد کلان خود برای ایجاد زیرساخت و بستر حمایتی در جهت توسعه کسب و کارهای دیجیتال، با ایجاد بخش «سرویس های

ایرانسل با «آبر اپلیکیشن ایرانسل من» از کسب وکارهای نوپا حمایت می کند

ویژه» در اپلیکیشن ایرانسل من، امکان معرفی این کسب و کارها به جامعه کاربران میلیونی اپلیکیشن ایرانسل من را فراهم کرده است. کاربران اپلیکیشن ایرانسل من با مراجعه به بخش سرویس های ویژه در این اپلیکیشن، می توانند علاوه بر خدمات پایه موجود، به خدمات متنوع دیگری از جمله تاکسی آنلاین، سفارش غذا، سوپرمارکت آنلاین، خرید آنلاین بیمه، تلویزیون اینترنتی و... دسترسی داشته باشند. در بخش سرویس های ویژه اپلیکیشن ایرانسل من، این امکان وجود دارد تا کاربران با هر خرید موفق در این خدمات، از ایرانسل هدیه ای مانند بسته اینترنت دریافت کنند. در حال حاضر این امکان برای دو خدمت سفارش غذا و سوپرمارکت فعال بوده و در خدمات دیگر نیز به سرعت در غل پیاده سازی است. کسب و کارهای دیجیتال که تمایل دارند با حضور در این بخش، خدمات خود را در معرض دید مشترکان

کاشت ۱۲ هزار و ۶۰۰ نهال از سوی ایرانسل در فارس و لرستان

اپراتور دیجیتال ایران، همگام با تولد طبیعت و در آستانه بهار ۱۴۰۰، با همکاری بنیاد علوی، ۱۲ هزار و ۶۰۰ اصله نهال شمر، در مناطقی از استان های فارس و لرستان، در اختیار کشاورزان منطقه قرار داد تا علاوه بر نتایج مستمر توسعه پایدار و حفظ خاک، به اقتصاد و معیشت خانوارها نیز کمک کرده باشد. این پروژه با همکاری جهاد کشاورزی و گروه های جهادی در مناطق دهیبد استان فارس و کوهدشت استان لرستان، با تضمین نگهداری و به ثمر رسیدن

ایرانسل در راستای اهداف توسعه پایدار و با همکاری بنیاد علوی و گروه های مردمی، ۱۲ هزار و ۶۰۰ اصله نهال شمر را در استان های فارس و لرستان کاشت. به گزارش ایلنا، این اپراتور در سال تولید، پشتیبانی ها و مانع زدایی ها و در راستای اهداف مسؤولیت اجتماعی و با همکاری بنیاد علوی، در آستانه بهار ۱۴۰۰، ۱۲ هزار و ۶۰۰ اصله نهال به کشاورزان و باغداران مناطق دهیبد استان فارس و کوهدشت استان لرستان اهدا کرد و اولین و بزرگترین



انرژی های تجدیدناپذیر» که منجر به «زمین پاک»، «طبیعتی سالم» و «آینده ای روشن» می شود، همکاری مشترک رابا سازمان حفاظت محیط زیست آغاز کرده است. این همکاری در نخستین گام، با پیگیری اهداف آموزشی، ترویجی و فرهنگ سازی

وارائه اپلیکیشن ایرانسل من، این امکان را در اختیار مشترکان خود قرار داده است تا نه تنها به صورت کاملاً شفاف، میزان مصرف حساب خود را مشاهده و مدیریت کنند، بلکه به بسیاری از امکانات دیگر نیز دسترسی داشته باشند. بر اساس گزارش فروشگاه اپلیکیشن های موبایلی «کافه بازار»، ایرانسل من با بیش از ۱۲ میلیون نصب، در رتبه دومین اپلیکیشن محبوب ایرانی ها قرار گرفته است. این اپلیکیشن، به عنوان نخستین اپلیکیشن مدیریت حساب مشترکان یک اپراتور تلفن همراه در ایران، دارای امکانات متعددی است که موجب شده این اپلیکیشن در جایگاه فوق قرار گیرد. اکنون نیز ایرانسل برای اولین بار در ایران، با ارائه امکان حضور و معرفی کسب و کارهای ایرانی در این اپلیکیشن محبوب، از رشد و توسعه اقتصاد دیجیتال حمایت می کند.

اطلاعاتی بر بسترهای آماده اولین و بزرگترین اپراتور دیجیتال ایران آغاز شده است و در ادامه نیز فعالیت های دیگری را در بر خواهد گرفت. ایرانسل پیش از این نیز باهدف حفاظت از محیط زیست، از اسفندماه ۱۳۹۶، پروژه مشارکتی درختکاری را با سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور آغاز کرده و همچنین علاوه بر برگزاری کمپین «حذف قبض کاغذی» در سال ۱۳۹۶، پروژه کاشت و نگهداری ۱۵ هزار اصله نهال در فاصله سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ را با موفقیت ۹۵ درصد به اتمام رسانده و به سازمان منابع طبیعی تحویل داده است.